

بررسی تطبیقی پناهندگی در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۶

بهمن بایرامی فرد^۱

مصطفی محمدنسل^۲

محمد مددی^۳

چکیده

زمینه و هدف: پناهندگی قدمتی به اندازه زندگی اجتماعی بشری داشته، در هر عصر و جامعه طبق باورها و فرهنگ خود راه حلی برای آن اندیشیده‌اند و امروزه یکی از موضوعات مهم و جدید در حقوق بین‌الملل حقوق پناهندگان می‌باشد. وجود احکام و مقررات فقهی و اشاره صریح قرآن کریم و روایات اسلامی به پناهندگی و حقوق و قواعد آن از اهداف این تحقیق می‌باشد.

روش تحقیق: روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر گویای این است که کلیه حقوق و قواعد بیان شده در منابع بین‌المللی در خصوص پناهندگان، در منابع اسلامی نیز در نظر گرفته شده است و پناهندگی از دید فقهی ماهیت عقدی دارد ولی در حقوق بین‌الملل جنبه حق و تکلیفی دارد و از مهمترین تکالیف پناهندگان در کشور پذیرنده، رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده بوده است و در صورت عدم رعایت دولت پذیرنده می‌تواند او را از کشور اخراج نماید. در کنوانسیون ۱۹۵۱ به موارد جزئی پناهندگی اشاره و تاکید شده است ولی در فقه اسلامی به جزئیات زیاد پرداخته نشده است. اما به دلیل اینکه اغلب این حقوق منافاتی با شرع و نظم عمومی مدنظر اسلام ندارد و می‌تواند در شرایط عقد امان ذکر گردد و پناهنده هم در فقه اسلامی و هم در حقوق بین‌الملل معانی مشترکی دارد و در حقوق بین‌الملل پناهندگی به دلایل سیاسی، مذهبی، نژادی، عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی، جنسیت و از ترس جان و مال و شکنجه به کشور پذیرنده پناهنده می‌شود. پناهندگی در فقه اسلامی نیز نوعی ترس موجه است با این تفاوت که در حقوق بین‌الملل مسئله ترس از تعقیب و آزار بوده است و در فقه اسلامی، اختلاف دینی و در واقع شرک عنصر اساسی در پناهندگی است. **واژه‌های کلیدی:** امان، پناهندگی، اسلام، حقوق فقهی، حقوق بین‌المللی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)
b.bayramifard@chmail.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.



مقدمه

پناهندگی قدمتی به اندازه زندگی جمعی بشر داشته است و مفهوم پناهندگی که عموماً با یک مکان یا محل جغرافیایی ملازمه دارد، عده‌ای معتقدند که آدم و حوا نخستین پناهندگان تاریخ هستند چرا که پس از انجام اعمال ممنوعه که خداوند آنها را از انجام آن منع فرموده بود از بهشت اخراج و به زمین پناهنده شدند. در یونان باستان معابد به عنوان محل امنی برای پناهندگان عادی و حتی محکومین به مرگ به شمار می‌رفته و این نهاد از چنان ریشه‌های استوار در سنت اجتماعی برخوردار بود که علیه ناقضان آن مجازات شدیدی وضع شده بود. پناهندگی در رم باستان از منازعه بر سرزمین‌های مختلف سرچشمه می‌گرفت. در ایران باستان نیز نهاد پناهندگی به رسمیت شناخته شده بود. به عنوان مثال پناهندگی خسرو دوم ملقب به پرویز به بیزانس دوم بوده که امپراطوری بیزانس از وی حمایت و به تاج و تخت برگرداند. در ادیان الهی نیز پناهندگی مورد قبول واقع شده و دارای جایگاه والای می‌باشد. در کتاب آسمانی یهود (تورات) پناهندگی به رسمیت شناخته شده و توصیه گردیده که اگر غریبی به سرزمین شما پناه آورد از اذیت او اجتناب کرده و بر او محبت نماید. و در انجیل از کسانیکه به اورشلیم و دیگر اماکن امن پناهنده می‌شدند نام برده شده است. در میان اعراب قبل از اسلام نیز سنت پناهندگی معمول بوده و کسانیکه به حرم کعبه پناهنده می‌شدند جان و جسم آنها در امان بوده است. (ارفع نیا، ۱۳۷۳)

پناهندگی در فقه اسلام هم از جمله نهادها و حقوقی است که تحت عنوان استجاره، امان، زنهار آمده است و استجاره و امان در واقع نوعی قرارداد مصونیت سیاسی بیگانگان در قلمرو کشور اسلامی است و در دین مبین اسلام هر مسلمانی حق دارد به هر فرد غیر مسلمان حتی اگر کافر بوده و هنگام جنگ فرار و به سرزمین اسلامی پناه برده باشد باید پناهندگی اعطا نماید. اسلام جزو اولین نهادهایی بوده که اصل بازنگرداندن پناهنده و عدم خروج افراد و پناهندگانی را که مرتکب جرائم سیاسی شده‌اند پذیرفته است. (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹)

برای روشن شدن موضوع لازم است تا نسبت به تعریف پناهنده از منظر اسناد بین‌المللی و منابع فقهی بپردازیم در ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو پناهنده را چنین تعریف می‌نمایند: «پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت

یا عضویت در بعضی از گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد. در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور باز گردد.» (ناصرزاده، ۱۳۸۵) در اصطلاح فقهی نیز پناهنده به فرد، افراد یا گروهی اطلاق می‌شود که به دلایل مختلف مجبور به ترک مکانی می‌شوند و به جایگاه دیگر پناه می‌برند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹)

تاریخچه پناهندگی در حقوق بین‌الملل

پناهندگی که معمولاً با یک مکان و یا محل جغرافیایی همراهی داشته و در تاریخ بشریت ریشه طولانی دارد. با وجود داشتن عمر کهن تنها در روزگار اخیر در حقوق بین‌الملل مطرح گردیده است، در حالی که آن را پدیده‌ای دیرپا و همزمان با شروع زندگی اجتماعی بیان می‌کنند. یونانیان با توجه به اینکه برای انسان ارزش و احترام زیادی قائل بودند برای بیگانگان حقوقی قرار داده و آن را محترم شمرده و رعایت می‌کردند و در شهرهای مستقل یونان هر شخص بیگانه‌ای این آزادی و اختیار را داشت که تحت‌الحمايه زئوس الهه میهمان‌نوازی قرار گرفته و در مواقع مراجعه به سیستم حقوقی و قضایی تحت‌الحمايه یکی از رجال معروف آن شهر قرار گیرد. در روم با توجه به تمایلات جهان‌گشایی آنها و لزوم رعایت معتقدات ملل مغلوب باعث گردید که در قوانین خود به پناهندگان پناه دهند. بعد از تأسیس جامعه ملل در پایان جنگ جهانی اول لزوم وجود یک نهاد بین‌المللی قوت گرفت و اولین اسناد در ۱۲ می ۱۹۲۶ که در خصوص پناهندگان با منشأ روسی و ارمنی بود منعقد گردید. اولین اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ تنظیم گردید و در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ کنوانسیون ژنو مهمترین سند پناهندگی تهیه و امضاء شد.

سلسله‌هخامنشی که در سال ۵۵۰ قبل از میلاد تأسیس شد اگرچه در این دوران وجود حقوق مشخص وجود ندارد ولی بر اساس مأخذ اسناد مذهبی، تاریخی و استنتاجات ناشی از خصایص نژادی، وسعت نواحی تحت تسلط نبودن مذهب واحد یا لاقبل‌نداشتن تعصب



مذهبی در دوران هخامنشی رفتار با بیگانگان توأم با مهربانی و آزادی بوده و در دوران اشکانیان که ۲۵۰ سال قبل از میلاد بود با بیگانگان رفتار مناسبی داشتند. در دوران اخیر، که نزدیک به صد سال است با این قضیه درگیر می‌باشد. کمیته پناهندگان ارامنه در ابتدای اسفند ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰ هجری شمسی اقداماتی جهت کمک به پناهندگان انجام داد. (لطفی نیا، ۱۳۷۶).

قبل از انقلاب مشروطیت پناهندگی به دو صورت زیرانجام می‌گرفت:

الف) تحصن در اماکن مقدسه مذهبی یا در خانقاه‌ها

ب) پناهندگی در سفارتخانه‌های دولت‌های خارجی (عبادی، ۱۳۷۳).

چگونگی اعطای پناهندگی، حقوق و تکالیف پناهنده در ایران، آئین نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲/۰۹/۲۵ می‌باشد و کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ که طی ماده واحده‌ای در سال ۱۳۵۴ در پارلمان تصویب شد و بعد از انقلاب نیز شورای نگهبان در تیرماه ۱۳۶۵ آن را تأیید نمود. (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵). برابر اصل ۱۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است.

تاریخچه پناهندگی در اسلام

اعطای پناهندگی در میان اعراب حتی قبل از ظهور اسلام نیز شکل مذهبی داشته است بدین صورت که در قلب بیابان مکان‌های مقدس حکم پناهگاه را داشت و بعضی از آنها مانند حکم زیارتگاه بوده است. کعبه در بین این مکانها ارزش و مقام عالی تری داشته است و شاید هدف از بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم، تأمین مامن برای پناهندگان به خدا بوده است. و حضرت ابراهیم از جور نمرود به آنجا پناه برد و پس از ساختن کعبه و سکونت در آنجا حضرت ابراهیم(ع) به خداوند می‌فرماید: «ربنا انی اسکنت من ذریتی بوادئ غیر ذی زرع عند بیتک المحرم...» (قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۳۷) (پروردگارا همانا جای دادم در دره بی گیاه نزد خانه محترم تو...) مدت امان یک سال است که مال و جان پناهنده تحت حمایت خواهد بود. که به امان زنهار و زمام نیز گفته می‌شود.

برای تحقق امان می‌توان از عبارات «امان دادم تو را- تو در ذمه اسلام هستی» و هر لفظی که به طور صریح بر این معنا دلالت دارد استفاده کرد. (محقق حلی، ۱۹۸۳).

ماهیت پناهندگی در حقوق بین‌الملل

مشکل پناهندگی از زمان‌های گذشته در میان جوامع بشری به صورت‌های مختلف وجود داشته است و در هر دوره و زمانی جوامع بسته به باورها و اعتقادات و فرهنگ عمومی خود راه‌حلی بر آن یافته است. پناهنده از نظر منابع بین‌المللی، بیگانه‌ای است که در کشور پذیرنده به دلیل ترس از تعقیب و نیز نجات جان و مال و آزادی خود، به کشور دیگر پناهنده می‌گردد. از بررسی منابع معتبر بین‌المللی می‌توان چنین برداشت نمود که افراد در شرایط خاص که در معرض خطر و ترس قرار می‌گیرند دارای حق پناهنده شدن به کشور دیگر را داشته و کشورهای مورد تقاضای فرد که عضو سازمان ملل متحد می‌باشند مکلف به پذیرش پناهندگان می‌باشند.

ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ که مربوط به ورود غیر قانونی پناهندگان به کشور دیگر می‌باشد مقرر می‌دارد:

۱) دولت‌های متعاقد؛ پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آن جازندگی می‌کردند و آزادی‌شان در معرض خطر و تهدید بود بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده‌اند یا در آنجا به سر می‌برند به خاطر اینکه برخلاف قانون وارد سرزمین آنها شده‌اند یا در آن به سر می‌برند، مجازات نخواهند کرد، مشروط به این که آنها را فوراً به مراجع مربوطه معرفی کرده، دلایل قانع‌کننده‌ای برای ورود یا حضور غیرقانونی ارائه دهند.

۲) دول متعاقد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیت‌های غیر از آنچه لازم باشد قائل نخواهند شد و محدودیت مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه پذیر تعیین نشده است یا اجازه ورود به کشور دیگری را تحصیل نکرده‌اند. (ناصرزاده، ۱۳۸۵).

در ماده ۳۳ کنوانسیون مذکور به منع اخراج پناهندگان اشاره شده است. با دقت نظر در مواد کنوانسیون فوق و همچنین مقدمه آن که به آزادهای فردی و حقوق اولیه انسان اشاره



نموده است. پاسخ به سؤال فوق استنباط می‌گردد و آن این که روح حاکم بر این کنوانسیون قائل شدن حق پناهندگی برای افرادی است که در معرض خطر و ترس بوده و از طرف دیگر تکلیفی است که بر عهده‌ی دولتهای متعاقد نسبت به پذیرش افراد پناهنده محول شده است.

ماهیت پناهندگی در فقه اسلامی:

از ابتدای ظهور دین مبین اسلام پناه دادن به مظلومان به عنوان یک وظیفه الهی و دینی و به طبع آن به صورت یک قاعده حقوقی مطرح بوده بطوری که بی توجهی به مظلومان و پناهندگان نشانه ضعف ایمان فرد مسلمان محسوب می‌شده است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم». (عاملی، ۱۳۷۶). در این روایت از بارزترین مصداق مظلومان پناهندگان و آوارگان می‌باشد. و بر مسلمانان و دولت اسلامی واجب است که ضمن پناه دادن، اقدامات لازم را جهت رفع ظلم از آنان بکار ببندد.

فقها در خصوص پناهندگی به آیه ۶ سوره توبه استناد می‌نمایند که در قرآن مجید چنین آمده است:

«وان احد من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله ثم ابلغه مامنه».

«اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهنش ده تا اینکه سخن خدا را بشنود. سپس او را به جای امن خودش برسان».

همچنین علمای حقوق با استناد به روایات وارده از اهل بیت (ع) پناهندگی را نوعی عقد دانسته‌اند که برای انعقاد آن اهلیت طرفین می‌باشد. امان عبارت از عقدی شرعی است که خداوند وفای به آن را دستور داده است و با ایجاد و قبول منعقد می‌شود. ایجاد از طرف امان دهنده و قبول از طرف مستأمن یا برعکس باشد. (عفی، ۱۳۸۱).

شهید ثانی در شرح لعمه پناهندگی و امان را عقد دانسته، که با هر لفظ یا کتاب اشاره مفهمه‌ای منعقد گردد. (نجفی، ۱۳۷).

پناهندگی عقدی است که به موجب آن یک سری مسولیت‌هایی بر طرفین عقد بار خواهد شد که به موجب این عقد، طرفین مکلف به رعایت تعهدات متقابل خواهد بود و باید به

حقوقی و ارزشها و باورهای یکدیگر احترام بگذارند. به این علت، در عقد پناهندگی به موجب مسئولیت‌ها و تعهداتی که برای پناهنده یا پناهندگان و دولت میزبان ایجاد می‌شود، طرفین متعهد و موظف به انجام تعهدات می‌باشند.

انواع پناهندگی در حقوق بین‌الملل:

پناهندگی در حقوق بین‌الملل به دو شکل انجام می‌پذیرد: پناهندگی سرزمینی و پناهندگی فرا سرزمینی.

۱- پناهندگی سرزمینی (درون مرزی):

وقتی که یک شخص یا اشخاص با فرار از کشوری وارد قلمرو دولتی دیگر شده و در خواست کسب مجوز برای اقامت نماید و کشوری در خاک خود به یک تبعه خارجی که مورد تعقیب مقامات دولت مطبوع خود قرار گرفته پناهندگی دهد، آن را پناهندگی داخلی گویند. این نوع پناهندگی حقی است که در داخل سرزمین دولت اعطا کننده و صمیمیت داشته و منشاء آن اصل حاکمیت کشور می‌باشد. مستقیماً از اقتدار دولت بر قلمروش ناشی می‌شود.

۲- پناهندگی برون سرزمینی:

پناهندگی برون سرزمینی به پناهندگی داده شده از طرف یک دولت در خارج از قلمرو خود به یک فرد بیگانه گفته می‌شود. پناهندگی در خارج از قلمرو حاکمیت یک دولت زمانی اتفاق می‌افتد که با اعطای آن در سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و... موافقت می‌گردد. پناهندگی دیپلماتیک نتیجه تئوری حقوق برون مرزی هیئت دیپلماتیک و مصونیتی است که دولتها برای هیئت‌های سیاسی و سفارتخانه یکدیگر قائل هستند.

انواع پناهندگی در اسلام:

در فقه اسلامی پناهندگی از جنبه‌های مختلف بررسی شده چون دین مبین اسلام به مسئله پناه دادن به بی پناهان و صلح و آرامش جامعه بشری ارزش و احترام زیادی قائل می‌باشد. در زیر به طور مختصر به برخی از انواع پناهندگی اشاره شده است:

الف- پناهندگی از دیدگاه و خواسته پناهجو



۱- پناهندگی سیاسی: از نظر فقه اسلامی جهان به چهار قسمت و ناحیه سیاسی تقسیم‌بندی می‌گردد که عبارتند از: دارالاسلام، دارالموارعه، اراضی خراجیه و ذمیه، دارالحرب که از میان چهار منطقه فوق فقط اهالی دارالحرب حق بهره‌مندی از قانون استتجار و تأمین اسلامی را دارند و می‌توانند با مهاجرت به کشور اسلامی تقاضای پناهندگی نمایند. و همچنین اگر کفار استتجاره نمایند بر طبق نص قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار می‌توانند در خواست پناهندگی سیاسی بنمایند.

۲- پناهندگی اقتصادی: با توجه به قانون استتجاره و تأمین اقتصادی بازرگانان، کفار می‌توانند با امنیت کامل جهت تجارت در کشور اسلامی تردد نمایند.

۳- پناهندگی نظامی: منظور از این نوع امان یعنی دادن پناه به کفار در میدان جنگ که طبق شرایط و ضوابط خاصی داده می‌شود و در نتیجه آنان را از اسارت و اموالشان را از غارت و غنیمت حفظ می‌کند. (شکوری، ۱۳۷۷)

ب- انواع امان

۱- امان رسمی: امانی که توسط حکومت اسلامی به صورت عمومی یا خصوصی داده می‌شود.

۲- امان غیر رسمی: امانی که هر فرد مسلمان می‌تواند به یک بیگانه اعطا کند.

ج- امان از جنبه موضوعیت:

۱- امان عام: مخصوص امام (ع) یا نایب او بوده و به جهت مصالح عمومی و شامل افراد زیادی از بیگانگان می‌باشد اعطا می‌گردد.

۲- امان خاص: توسط دولت اسلامی و یا آحاد مسلمانان به آحاد بیگانگان اعطا می‌گردد.

د- امان از جنبه تعداد پناهندگان:

۱- امان مخصوص: که به یک نفر امان داده می‌شود. یعنی افراد مسلمان می‌توانند به یک کافر امان بدهد.

۲- امان عمومی: گاهی عقد امان با یک گروه و یا یک دسته و یا ساکنان یک نقطه بسته می‌شود. این نوع امان ویژه امام یا شخص منصوب او می‌باشد. (ارفع نیا، ۱۳۷۳)

میثاق‌های بین‌المللی:

۱- میثاق حقوق مدنی و سیاسی

۲- میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

این دو میثاق حاوی حقوق اساسی بشر است که اصول و صورت‌بندی آن در اعلامیه جهانی نیز آمده است. اما میثاق‌ها آن را با دقت و وضوح بیشتری مورد تحلیل قرار داده و در برخی موارد نیز تغییرات کلی در آن به عمل آورده‌اند. برای دولت‌ها یک تکلیف حقوقی توسط میثاق‌ها به وجود می‌آید. (طباطبایی، ۱۳۹۲) این میثاق‌ها نیز همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، مستقیماً به مساله پناهندگی و حقوق پناهنده پرداخته‌اند. ولی حقوق اساسی انسان را بدون توجه به قابلیت و شرایط خاص ترسیم کرده است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی در بند ۲ ماده چنین مقرر می‌دارد: «هیچ‌گونه محدودیت یا انحراف از هر یک از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین کنوانسیون آیین نامه‌ها یا عرف و عادت نزد هر دولت طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده باشد یا نافذ و جاری است، به عذر اینکه این میثاق، حقوقی را به رسمیت نشناخته است. قابل قبول نخواهد بود».

پس می‌توان نتیجه گرفت که از دید سازمان ملل متحد، عرف و عادت و سنن جوامع مختلف، حقوق انسانها محترم بوده و نمی‌توان به بهانه اینکه در حقوق بین‌الملل مستقلاً به آنها اشاره نشده یا کم شده است، آن‌ها را نادیده گرفت و به حساب نیاورد. میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز کلیه اعضا خانواده بشری را مبنای عدالت و صلح در جهان از حیثیت یکسانی برخوردار می‌داند، تاکید می‌کند «این حقوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است». (دفتری، ۱۳۷۹).

اعلامیه جهانی حقوق بشر:

کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر از ۲۲ آوریل تا ۱۳ ماه مه ۱۹۶۸ به منظور بررسی پیشرفت جامعه در طی بیست سالی که از زمان قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد، و نیز به منظور تنظیم برنامه‌ای برای آینده در تهران تشکیل جلسه داده است. که در این جلسه اعلامیه در ۱۹ بند تصویب شد و پایبندی خود را به اعلامیه جهانی حقوق بشر و حمایت از



آزادی‌های اساسی برای همه و بدون هیچ گونه تبعیضی اعلام داشته است. همچنین در بند دوم اعلامیه تهران چنین آمده است: «اعلامیه حقوق بشر تفاهم مشترک همه ملل جهان را درباره حقوق لاینفک و تخلف ناپذیر همه اعضای خانواده بشری بیان داشته است و برای اعضای جامعه بین‌المللی تعهد ایجاد می‌کند». (دفتری، ۱۳۷۹).

هر چند که اعلامیه جهانی حقوق بشر، به انگیزه حمایت از پناهندگان تدوین نگردیده، لکن در بردارنده حقوقی است برای همه انسان‌ها صرف نظر از تعلق آنها به کشور یا مذهبی خاص. در مقدمه این اعلامیه آمده است: «مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایما مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیری تدریجی، ملی و بین‌المللی شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایایی که در قلمرو آنها می‌باشند تأمین گردد». (ناصرزاده، ۱۳۸۵)

اساسی‌ترین حقوق پیش بینی شده در این اعلامیه که شامل پناهندگان نیز می‌شود عبارت‌اند از:

- ۱- برخورداری از تمام حقوق و آزادی‌ها (ماده ۲)
 - ۲- حق زندگی و امنیت شخصی (ماده ۳)
 - ۳- منع هرگونه شکنجه و رفتار خلاف شئون بشری (ماده ۵)
 - ۴- برابری همه افراد بشر در برابر قانون (ماده ۷)
 - ۵- حق عبور و مرور و انتخاب آزادانه محل اقامت (ماده ۱۳)
 - ۶- داشتن حق کار و حرفه (ماده ۲۳)
 - ۷- حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش تا مرتبه عالی آن (ماده ۲۶)
- از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع حقوق پناهندگان می‌توان به کنوانسیونهای ۱۹۵۱ ژنو، پروتکل ۱۹۶۷ اشاره نمود. کنوانسیون ۱۹۵۱ بین‌المللی بوده که مهم‌ترین تعهدات اشاره شده در این کنوانسیون عبارتند از:

- ۱- عدم تبعیض (ماده ۳)

- ۲- دین و مذهب، تعلیمات دینی (ماده ۴)
- ۳- اشتغال با دستمزد (ماده ۷)
- ۴- جیره بندی یعنی حق استفاده از نظام جیره بندی در خصوص محصولات کمیاب برخوردار باشند (ماده ۲۰)
- ۵- حقوق عبور و مرور آزادانه در داخل سرزمین کشور پناهنده‌پذیر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر:

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز با تاکید بر همبستگی انسان‌ها با یکدیگر، حقوقی را بتوان حقوق غیر قابل سلب برای همه انسانها پیش‌بینی نموده است. که این حقوق صرف نظر از وضعیت تابعیتی فرد برای او متصور است. (ترجمه فارسی اعلامیه اسلامی حقوق بشر، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۲۷ سال ۱۳۷۰).

- ۱- حق حیات (ماده ۲)
- ۲- حق دفاع از آوازه و شهرت خود در زندگی و پس از مرگ (ماده ۴)
- ۳- حق تشکیل خانواده (ماده ۵)
- ۴- حق داشتن شخصیت حقوقی و یا قیم (ماده ۸)
- ۵- حق طلب علم (ماده ۹)
- ۶- حق انتقال و انتخاب مکان (ماده ۱۲)
- ۷- حق کار و پیشه (ماده ۱۳، ۱۴)
- ۸- حق مالکیت (ماده ۱۵)
- ۹- حق بهره‌مندی از دستاوردهای علمی ادبی تکنولوژی مشروع (ماده ۱۶)
- ۱۰- حق بهداشت عمومی (ماده ۱۷)
- ۱۱- حق امنیت فردی و استقلال در امور خانوادگی و خصوصی (ماده ۱۸)
- ۱۲- حق مساوات در مقابل دادگاه و قانون (ماده ۱۹)
- ۱۳- حق آزادی بیان در محدوده مقررات شرعی (ماده ۲۲)



حقوق آوارگان جنگی در حقوق بین الملل و فقه

با مطالعه کنوانسیونها و اسناد بین المللی قابل استناد در خصوص پناهندگی این برداشت به وجود می آید که مواد کنوانسیون و سایر اسناد بین المللی شامل افراد بسیاری که به دلیل اغتشاشات داخلی یا تجاوز کشور خارجی و نیز به دلیل عدم تأمین جانی، مالی و حیثیتی به کشورهای همسایه خود پناهنده می شوند نمی گردد. سوالی که ممکن است مطرح شود این است که پس چه کسانی یا نهادهایی مسوولیت کمک رسانی به این پناهندگان و ستمدیدگان را دارند؟

در این خصوص می توان بیان کرد که: اولاً نهادهای سازمان ملل و سازمان های خیریه جهانی احساس مسوولیت بیشتری نسبت به کمک رساندن به پناهندگان دارند و نیز جهت گیری افکار جهانی، کمک رسانی به تمام کسانی است که به هر دلیلی از سرزمین اصلی خودشان رانده یا فراری شده باشند. ثانیاً بررسی اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصر و همچنین باورها و ارزش های اسلامی دینی، این نکته را روشن می سازد که هر مظلومی که خواهان همکاری و پناه جویی باشد، هر فرد مسلمانی، به ویژه دولت اسلامی، موظف به پناه دهی و همکاری با اوست. (سید فاطمی، ۱۳۷۴)

در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که: «هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهندگی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند». و در ماده ۱۲ حقوق بشر اسلامی آمده است که: «هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج از کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود...» مفاد این ماده هم نسبت به دین و مذهب پناهندگان و هم نسبت به علت پناهندگی عام و فراگیر است: چرا که واژه «هر انسانی» هم مسلمان و هم غیر مسلمان را در بر می گیرد و نیز عبارت «تحت ظلم قرار گرفتن» اشاره به این مطلب دارد که ظلم می تواند از ناحیه هر کس یا گروه و با هر شکلی باشد.

در شریعت اسلام نیز، از همان آغاز، پناه دادن به مظلومان به عنوان یک وظیفه الهی و دینی و بالطبع به صورت یک قاعده حقوقی مطرح بوده تا آنجا که بی توجهی به مظلومان و

پناهندگان نشانه ضعف ایمان افراد مسلمان تلقی شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم». در این روایت، پناهندگان و آوارگان از بارزترین مصادیق مظلومان هستند و بالطبع بر مسلمانان و به ویژه بر دولت اسلامی است که به آنها پناه داده و همه امکانات خویش را برای رفع ظلم از آنان، به کار بندند. (ابراهیمی، ۱۳۷۷).

بر کشورهای اسلامی است که برای جهانی کردن مفاد اعلامیه اسلامی، آن هم در قالب قاعده حقوقی، پای بندی عملی خود را نسبت به آن نشان دهند تا به تدریج جایگاه حقوقی خود را در نظام بین‌المللی باز کنند.

در شریعت اسلام مسوولیت پناه دادن به مظلومان تنها یک وظیفه اخلاقی برای دولت اسلامی به شمار نیامده بلکه از حقوق عمومی مسلمانان و از این فراتر، از تکالیف آنان به شمار می‌آید.

هر چند حقوق پناهندگان در اسناد بین‌المللی و منابع اسلامی از منظر حقوقی و نظری پرداخته شده است، اما متأسفانه از جهت عملی تاکنون پذیرش پناهنده، به صورت یک عرف بین‌المللی جا نیافتاده است. بیشتر کشورها بر اساس منافع ملی و قانون داخلی خود با پناهندگان برخورد می‌کنند: برای مثال، کشورهای اروپایی مقررات سختی برای پذیرش پناهنده دارند که بر خورداری از آن شرایط برای هر کس میسر نیست. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۸)

وظایف دولت پذیرنده:

از مهمترین حقوق پناهندگان که در اسناد بین‌المللی مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. اصل بازنگرداندن پناهندگان به کشوری است که به دلایل گوناگون از آن کشور رانده و یا ناگزیر به ترک آن شده‌اند. این اصل همواره مورد حمایت سازمان ملل و سایر نهادهای دیگر مرتبط قرار گرفته است. مهم‌ترین وظیفه کشور پناهنده‌پذیر حمایت از پناهندگان در قبال اخراج یا بازگشت اجباری آنان به کشوری است که بیم دارند در آن مورد تعقیب و آزار قرار گیرند اصل ممنوعیت بازگشت اجباری (ماده ۹) رکن اساسی حقوق پناهندگی به شمار



می‌آید که در اسناد متعدد بین‌المللی بر آن تاکید شده است. بند اول ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو می‌گوید: «هیچ یک از دول متعاقد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد و... زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهد کرد یا باز نخواهد گرداند».

از سوی در بسیاری از موارد عدم پذیرش افراد و ممانعت از ورود آنان به سرزمین یک دولت عملاً به معنای گرفتار شدن آنها به دست دولتی است که از آن گریخته و فرار نموده‌اند از این رو برای حفظ جان افرادی که تقاضای پناهندگی کرده‌اند نوعی پناهندگی موقت در نظر گرفته شده است.

در فقه اسلامی نیز تأمین امنیت جانی و مالی پناهنده مد نظر بوده است و در این خصوص نیز برای پناهنده مدت زمان معینی را تعیین کرده و حداکثر مدت امان و پناهندگی از چهار ماه تا ده سال بیان شده است.

کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و رفتارهای موهن و غیرانسانی چنین مقرر کرده که: «هیچ دولت عضو کنوانسیون شخص را به کشور دیگری که شواهد جدی مبنی بر وجود شکنجه و خطر نسبت به جان افراد در آن وجود دارد باز گشت نخواهد داد». در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و کشوری نیز این اصل مورد تاکید قرار گرفته است.

در ماده ۱۲ آیین نامه راجع به پناهندگان در ایران آمده است: «پناهنده را نمی‌توان اجباراً به کشوری که در آنجا جان یا آزادی‌اش به علل سیاسی، نژادی، مذهبی یا تعلق به گروه‌های اجتماعی در معرض خطر است، اعزام نمود». (عبادی، ۱۳۷۳).

از بررسی مطالب فوق می‌توان به این جمع بندی رسید که تا زمانی که شرایط مساعد برای بازگشت پناهندگان به کشورشان فراهم نشده باشد، بازگرداندن آنان، برخلاف اعلامیه و قطعنامه‌های مختلف راجع به پناهندگان خواهد بود.

وظایف پناهندگان:

تخلّف از قانون و عدم رعایت مقررات و نظامات حکومتی جرم بوده و مستلزم مجازات

می‌باشد که مجرم باید آن را تحمل نماید. تخلف از مقررات همواره با مجازات همراه نبوده، مثلاً اگر شخصی که دفترچه اقامت پناهندگی اخذ کرده باید تغییر محل سکونت یا کار خود را به اطلاع مقامات ذیصلاح قانونی برساند و اگر در این باره تخلف شود، یعنی تغییر محل کار یا اقامت خود را اطلاع ندهد، مرتکب تخلف از قانون شده است، بدون آنکه مجازات مشخصی برای او تعیین شده باشد. طبق ماده ۸ آیین نامه پناهندگان، پناهنده باید کتباً تعهد نماید مادامی که در ایران اقامت دارد مقررات و قوانین ایران را محترم شمارد. و در صورت عدم رعایت تعهدات، دولت می‌تواند گواهی نامه پناهندگی او را لغو و از کشور اخراج نماید. (نظری، ۱۳۶۹)

مهم‌ترین تکلیف هر پناهنده اطاعت از قوانین و اجرای مقررات می‌باشد. ماده ۲ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر پناهنده در کشوری که به سر می‌برد دارای وظایفی است که به موجب آن مخصوصاً ملزم می‌باشد خود را با قوانین و مقررات آن کشور و اقداماتی که برای حفظ نظم عمومی به عمل می‌آید تطبیق دهد».

پس نتیجتاً، هر حقی همراه با یک سری تکالیف و وظایفی می‌باشد. همانطور که دولت پذیرنده مکلف به رعایت حقوقی خاص نسبت به پناهنده می‌باشد و باید قوانین و مقررات راجع به حقوق پناهندگان را رعایت نماید پناهنده نیز متعهد و مکلف بوده که قوانین و مقررات آن کشور را رعایت کند. از جمله مهم‌ترین این مقررات، محدودیت‌های است که کشور میزبان برای حفظ امنیت ملی و نظم عمومی جامعه، در خصوص رفت و آمد پناهندگان وضع می‌کند. وضع این گونه مقررات محدود کننده حق دولت پذیرنده بوده و پناهندگان ملزم به رعایت آن هستند. (نظری، ۱۳۶۹)

در فقه اسلامی نیز یک سری محدودیت‌ها برای پناهنده، در نظر گرفته شده که باید رعایت گردد. فقهای شیعه ورود و سکونت در منطقه حرم را برای غیر مسلمان جایز نمی‌دانند. در ارتباط با تردد و انتخاب مسکن، فقها مناطقی را از شمول این حق استثناء کرده‌اند که می‌توان سه مورد برای آن ذکر کرد:

الف- منطقه حرم

ب- مساجد مسلمین

ج- مناطقی که در قرارداد امان ذکر شده است.



نتیجه گیری

با بررسی موضوع مقاله می توان به این نتیجه رسید که در کنوانسیون ۱۹۵۱ به موارد جزئی پناهندگی اشاره و تاکید شده است ولی در فقه اسلامی به جزئیات زیاد پرداخته نشده است. اما به دلیل اینکه اغلب این حقوق منافاتی با شرع و نظم عمومی مدنظر اسلام ندارد و می تواند در شرایط عقد امان ذکر گردد و کلیه حقوق و قواعد بیان شده در منابع بین المللی در خصوص پناهندگان، در منابع اسلامی نیز در نظر گرفته شده است. با عنایت به اینکه پناهنده هم در فقه اسلامی و هم در حقوق بین الملل معانی مشترکی دارد، در حقوق بین الملل پناهندگی به دلایل سیاسی، مذهبی، نژادی، عضویت در گروههای خاص اجتماعی، جنسیت و از ترس جان و مال و شکنجه به کشور پذیرنده پناهنده می شود. پناهندگی در فقه اسلامی نیز نوعی ترس موجه است با این تفاوت که در حقوق بین الملل مسئله ترس از تعقیب و آزار بوده است و در فقه اسلامی، اختلاف دینی و در واقع شرک عنصر اساسی در پناهندگی است. پناهندگی از دید فقهی ماهیت عقدی دارد ولی در حقوق بین الملل جنبه حق و تکلیفی دارد و از مهمترین تکالیف پناهندگان در کشور پذیرنده، رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده بوده است. پناهندگان باید رعایت نظم عمومی را نموده و در صورت عدم رعایت دولت پذیرنده می تواند او را از کشور اخراج نماید. کشورهای اسلامی با توجه به موارد و ادله های که در عقد امان و... آمده است باید به این نوع کنوانسیون ها ملحق شده و سعی در گسترش حقوق بشر اسلامی مطابق با قواعد حقوقی بنمایند.

منابع:

- قرآن کریم
- ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷). **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: انتشارات مهر.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۷۳). **حقوق بین‌الملل خصوصی (تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان)**، جلد چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- اعلامیه اسلامی حقوق بشر.
- بایرامی فرد، بهمن (۱۳۹۱). **پناهندگی دیپلماتیک به سفارتخانه‌ها**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه.
- حلی، جعفر بن محمد (۱۳۵۴). **شرایع الاسلام**، تهران: انتشارات بی‌نا.
- دفتری، متین (۱۳۷۹). **مقدمه میثاق حقوق بشر**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- زارع، اکبر (۱۳۹۱). **بررسی حمایت دیپلماتیک از شرکت‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه.
- سیدفاطمی، سیدمحمد قاری (۱۳۷۴). «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین‌المللی»، **نامه مفید**، شماره ۱.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷). **فقه سیاسی در اسلام**، چاپ دوم، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۸). **اسلام و حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- طباطبایی، منوچهر (۱۳۹۲). **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، تهران: انتشارات مجد.
- عاملی، زین‌العابدین جبلی (شهید ثانی) (۱۳۷۶). **مالک الافهام**، تهران: موسسه المعارف اسلامی.
- عیفی، محمدصادق (۱۳۸۱). **الاسلام و العلاقات الدولیه**. ط. الثانیه، بیروت: دارالرئد العبدین.
- لطیفی‌نیا، مهشید (۱۳۷۶). «مساله پناهندگی در ایران»، **فصلنامه تاریخ روابط**



خارجی، شماره ۳.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). **الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، قم: انتشارات صدر.
- ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۸۵). **اعلامیه های جهانی حقوق بشر**، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۲). **جواهر الکلام**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نظری تاج آبادی، حمید (۱۳۶۹). **بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.